

جایگاه علمی، عقیده و مذهب پیر هرات شیخ الاسلام انصاری

چکیده

پیر هرات از شخصیت‌هایی است که همه دانشمندان و اهل نظر به تعالی جایگاهش اعتراف دارند. وی به نبوغ استعداد و نیروی حافظه شهرت بسزایی داشته؛ چنانچه شمار زیادی از اشعار عربی و فارسی و نیز هزاران روایت از احادیث نبوی در حافظه‌اش ثبت بوده و او به روایت آنها می‌پرداخته است. به همین گونه جایگاه علمی پیر هرات از کثرت و بلندی مرتبه تألیفات و آثارش به اثبات می‌رسد. شیخ الاسلام انصاری در عقیده خود روش سلف صالح را اختیار کرده به مدلول ظواهر آیات و احادیث نبوی عقیده دارد و از تأویل نصوص شرعی اجتناب مینماید. همچنان او با ائمهٔ اربعه در عقیده و اندیشه موافق است؛ اما نگاه وی با برخی دیدگاه‌های متأخران پیرو این مذاهب، که به تأویل و خردگرایی گرویده اند موافقت نمی‌نماید. در بارهٔ مذهب پیر هرات نظریات متفاوت وجود دارد، به نظر می‌رسد که وی در عقیده حنبلی بوده و در امور عبادی و عملی از فقه شافعی پیروی می‌کرده است.

واژگان کلیدی

انصاری، عقیده، مذهب، نصوصگرایی، تأویل، عقلگرایی.

مقدمه

شیخ الاسلام خواجه عبدالله انصاری متولد ۳۹۶ و متوفای ۴۸۱ هـ.ق. (براون، ۱۳۸۱: ج ۲، ص ۴۰۵) معروف به پیر هرات، یکی از دانشمندان، عارفان، شاعران، نویسندگان، محدثان و رجال بنام و برجستهٔ هرات باستان است که سیطرهٔ نام و شهرتش همه جهان را در نور دیده است. او در همه ابعاد زندگی خود از نواغ روزگار خود بوده و همه اهل تحقیق به استعداد خارق العاده و استقامت بیش از حد وی بر مبانی شریعت الهی، اعتراف و اقرار داشته اند.

پیر هرات در سرایش شعر، نوشتن نثر، روایت حدیث، تلقین وعظ، ارائهٔ خطابه و نظریه پردازیهایی عرفانی و عقیدتی جایگاه والایی داشت. ارزش شناخت شیخ الاسلام انصاری در نگاه دانشمندان و اهل

تحقیق بسیار متعالی و به حدی است که در برنامه درسی فوق لیسانس دانشگاه هرات، مضمون «انصاری شناسی» جای داده شده است. بنابراین شناخت ابعاد متنوع زندگی و افکار پیر هرات از موضوعات ارزشمند در حوزه ادب فارسی و اندیشه‌های اسلامی است. مهمترین و پیچیده‌ترین مبحث در شناخت شیخ الاسلام انصاری، مرتبه علمی و آشنایی با عقیده و مذهب اوست که تا کنون در باره آن به گونه واقعی پژوهشی صورت نگرفته است. چه نوشته‌های در این باره، از یک طرف اندک اند و از جانب دیگر در آنها به حقایق از عقیده و اندیشه‌های وی توجه عمیق صورت نگرفته است. در این مقاله جایگاه علمی، گرایشهای عقیدتی و مشرب مذهبی شیخ الاسلام به بحث و بررسی گرفته شده است.

الف. جایگاه علمی پیر هرات

شیخ الاسلام انصاری در تمام ابعاد حیات و بویژه در آموزش و تحصیل و در اشاعه علم و دانش در میان امت اسلامی جایگاه بس والایی داشته است. جایگاه دانش و ابعاد گوناگون حیات علمی وی در استقامتهای زیر قابل بررسی اند.

۱. حافظه و نبوغ استعداد

از خصوصیات منحصر به فرد پیر هرات قوت حافظه و نبوغ استعداد اوست. او همچنان که در تذکره‌ها و در آثار خود او ثبت شده، از خردسالی در همه امور نبوغ داشته و در قوت حافظه نیز شخصیت ممتاز بوده است. وی در هنگام آموزش و تحصیل و بعد از رشد ابتدایی علمی و ادبی، به نیروی حافظه شهرت داشت. مولانا جامی از پیر هرات نقل کرده که گفته است: «مرا شش هزار شعر تازی است و صد هزار بیت از اشعار عرب به خاطر دارم و...» (جامی، ۱۳۶۵: ص ۴۰۵) به همین گونه سایر اهل علم و تاریخ نگاران نیروی حافظه او را ستوده اند. ذهبی در تذکره الحفاظ به نقل از ابن طاهر، حفظ دوازده هزار حدیث را به پیر هرات نسبت داده است. (ذهبی، ۱۴۱۹: ج ۳ ص ۲۴۹)

این روایات می‌رسانند که پیر هرات در نیروی استعداد، ویژگی برانده و کم نظیر داشته و این خصوصیت یکی از اموری است که او را در حوزه تحقیق و انتشار علوم و معارف اسلامی، سرآمد دوران خود او و دوره‌های بعدی ساخته است.

۲. تبحر در حفظ و روایت حدیث

پیر هرات ضمن اینکه در فقه و تصوف جایگاه بلند داشت و در این دو رشته، صاحب آرای متقن و استوار بود، در روایت حدیث جایگاه بس والا داشته و از بزرگترین محدثان زمان خود شمرده شده است.

وی در طلب حدیث نبوی و اخذ حدیث از مشایخ بزرگ زحمتهای فراوان کشیده بود. از او روایت شده که می‌گفت: «آنچه من کشیدم در طلب مصطفی هرگز کس نکشیده باشد، یک منزل از نیشاپور بود تا زیاد که باران می‌آمد و من در رکوع می‌رفتم و جزوه‌های حدیث به شکم باز نهاده بودم تا تر نشود». (جامی، ۱۳۶۵: ص ۳۳۴)

او بیشتر عمر خود را در اخذ و کتابت حدیث نبوی سپری می‌کرد و همین تبخّر و اشتغال وی به حدیث نبوی باعث گرایش وی به مذهب امام احمد بن حنبل شده بود؛ زیرا بنیاد مذهب فقهی امام ابن حنبل را حدیث نبوی تشکیل می‌دهد. شیخ الاسلام انصاری در زمینه اخذ و تعلیم حدیث می‌فرماید:

«من از سه صد تن حدیث نوشتم که همه سنی بوده‌اند و صاحب حدیث؛ نه مبتدع و صاحب رأی و هیچ کس را این میسر نشده است». (جامی، ۱۳۶۵: ص ۳۳۴)

شماری از علما برای شیخ الاسلام انصاری در علم حدیث نبوی درجه حافظ را قایل شده‌اند؛ چنانچه زرکلی در «الاعلام» بر این امر تصریح کرده است. (زرکلی، ۲۰۰۲: ج ۴، ص ۱۲۲) این نسب سخن گزافه‌یی نیست؛ زیرا وی شایستگی این لقب را داشته است. از وی روایت شده که می‌گفت: «من دوازده هزار حدیث حفظ دارم و آنها را بالفعل روایت می‌نمایم». (سیوطی، ۱۴۰۳: ص ۴۴۱) باز مولانا جامی در نفحات الانس از وی روایت کرده که گفته است: «...من سیصد هزار حدیث یاد دارم...». (جامی، ۱۳۶۵: ص ۴۰۵)

این روایات هرچند متفاوت‌اند اما تبحر وی در علم و روایت حدیث را می‌رسانند.

شکی نیست که شیخ الاسلام با احادیث نبوی محشور بوده و زندگی و آراء و افکار خود را در روشنایی روایات و سخنان پیامبر اسلام بنیاد می‌نهاد. او در زمینه دوام سر و کارش با حدیث نبوی می‌گوید: «به روزگار من هیچ کس آن نکرده که من، اگر من دست بر اندام خود نهادم، گفتندی که این چیست، آن را حدیث داشتمی». (جامی، ۱۳۶۵: ص ۳۳۴) بدین گونه که گفته آمد او از بزرگان اهل حدیث شمرده می‌شود. شمار زیادی از مشایخ حدیث را دیده و از آنان حدیث آموخته و نیز بزرگانی از اهل معرفت و تحقیق از وی حدیث اخذ نموده‌اند.

۳. مهارت در علوم روزگار

خواجۀ انصار در همه علوم روزگار خود مهارت کامل داشت و به درجه قابل اعتنایی دست یافته بود؛ چنان که بیشتر اهل علم بعد از وی به جامعیت وی اعتراف داشته‌اند. زرکلی یکی از تذکره نگاران در کتاب معروفش «الاعلام» می‌گوید: «وی در علم لغت تبخّر و مهارت داشت، در حدیث حافظ بود، در تاریخ و انساب معرفت داشت و مدافع سنت و دعوتگر به سوی آن بود». (زرکلی، ۲۰۰۲: ج ۴، ص ۱۲۲)

دیگر تذکره نگاران نیز شایستگی و زبردستی وی در لغت، روایت حدیث و معرفت به تاریخ و انساب را تأیید و تأکید کرده اند. (ابوزید، ۱۴۰۷: ص ۱۰۳) جایگاه علمی، ادبی و عرفانی شیخ الاسلام انصاری تأثیر خود را بر همگان به جا گذاشته بود؛ طوری که به شوکت معنوی وی اعتراف داشته اند و به او به دیده قدر می‌نگریستند. صریفینی حنبلی در «المنتخب من کتاب السیاق لتاریخ نيسابور» در مورد پیر هرات می‌گوید: «او در هرات، شیخ الاسلام بود، طوری که در زمان خویش مورد قبول دانشمندان قرار گرفته بود و به بزرگی، حسن وعظ و تذکیر شهرت داشت. وی دارای حشمت و قدرت معنوی، رونق و استیلاي دایم بر خاص و عام در سرزمینش بود...». (صریفینی، ۱۴۱۴: ج ۱ ص ۳۱۱)

ذهبی در تذکره الحفظ از عبد الغافر بن اسماعیل روایت کرده و گفته است: پیر هرات در زبان عربی و حدیث و تاریخ و انساب، حظّ وافر داشت، در تفسیر امام بود و در تصوّف سیرت نیکو داشت. (ذهبی، ۱۴۱۹: ج ۳ ص ۲۵۴)

ابن نقطه در اثرش «التقیید لمعرفة رواة السنن والمسائید» با سلسله اسنادش، در مورد شیخ الاسلام انصاری از مؤتمن بن احمد الساجی روایت کرده که گفت: «او در تذکیر و تصوّف، سلطان العلماء بود که در مجالس وعظ، احادیث را با اسناد روایت می‌کرد و در علم لغت صاحب مرتبه بود». (ابن نقطه، ۱۴۰۸: ج ۱ ص ۳۲۳-۳۲۵)

جایگاه علمی شیخ الاسلام انصاری از سرگذشتی که در ری در دوره حکمروایی سلطان محمود متوجه وی شد، به خوبی هویدا می‌گردد. ذهبی در تذکره الحفظ از خود پیر هرات نقل کرده که گفته است: من قصد کردم که به خدمت ابوالحسن خرقانی صوفی برسم. هنگامی که عزم کردم از نزد وی باز گردم، تصمیم گرفتم حافظ ابی حاتم بن خاموش را که بزرگ و مقتدای اهل سنت در ری بود ملاقات نمایم. این بدان دلیل بود که چون سلطان محمود به ری داخل شده بود و گروه باطنیه را کشته بود، جز ابی حاتم همگان را از موعظه ممنوع ساخته بود و هر که به ری داخل شدی، اعتقاد او بر ابی حاتم عرضه می‌گردید، اگر وی راضی شدی، برایش اجازه داده می‌شد با مردم تماس بگیرد و در غیر آن ممنوع می‌بود. وی گوید: هنگامی که به ری نزدیک شدم، شخصی از اهل ری با من همراه شد و از مذهب پرسید. من گفتم: حنبلی هستم. او گفت: این مذهبی است که من تا کنون نشنیده ام و بدعت است. سپس وی مرا محکم گرفت و گفت: تا تو را نزد ابی حاتم نبرم رها نمی‌کنم. من متحیر ماندم و مرا به خانه ابی حاتم که در آن روز مجلس بزرگی داشت برد و گفت: من از مذهب این شخص پرسیدم، مذهبی را یاد کرد که تا حالا نشنیده‌ام. ابو حاتم گفت: آن چه مذهبی است؟ آن شخص گفت که می‌گوید من حنبلی هستم. ابو حاتم

گفت: رهایش کن، هر که حنبلی نباشد، مسلمان نیست. من با خود گفتم: این شخص واقعاً دارای جایگاهی است که به من توصیف شده بود و برای چند روز مجلس وی را لازم گرفتم. (ذهبی، ۱۴۱۹: ج ۳ ص ۲۵۰)

پیر هرات بر علاوه روایت و تدریس حدیث، در تفسیر قرآن کریم تبخّر داشت و جایگاه علمی بس والایی را به دست آورده بود. چنان هویدا می‌شود که او بیشتر تفسیرهای قبل از خویشتن همه را دیده و از نظر گذرانده و در تدریس و تذکیر از آنها استفاده می‌کرده است. ابن طاهر گفته که از شیخ الاسلام انصاری در هنگام تدریس تفسیر قرآن کریم شنیدم که می‌گفت: من این معانی را برای تان از یک صد و هفت تفسیر ذکر می‌کنم. (ذهبی، ۱۴۱۹: ج ۳ ص ۲۵۰) همچنان گفته شده که شیخ الاسلام انصاری در تفسیر این فرموده حق تعالی: «إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ...» (الأنبياء: ۱۰۱) سه صد و شصت مجلس را برپا داشت و به تدریس و وعظ پرداخت. (ذهبی، ۱۴۲۷: ج ۱۴، ص ۴۲)

ب. گرایشهای عقیدتی

شیخ الاسلام انصاری هر چند بدون شک و به اعتراف همه اهل دانش و تحقیق، از مشایخ طریقت و از بزرگان عرفان اسلامی است، اما وی نسبت به همه بزرگان صوفیه و نیز با همه دانشمندان معاصر خود فرقی بارز و لسانی باهر داشت. او افکار عقیدتی ویژه خود را داشت که در برخی موارد با عقیده و اندیشه صوفیان و دانشمندان معاصر وی و نیز با عقیده آیندگان فرق دارد. ویژگیهای عقیدتی شیخ الاسلام انصاری در موارد زیر قابل تحقیق و توجّه اند.

۱. تمسک به ظواهر نصوص

پیشتر اشاره شد که شیخ الاسلام انصاری، ضمن اینکه در تصوف و عرفان جایگاه بلند داشت، اهل حدیث بود؛ از این رو بنیاد همه تفکرات او و به خصوص اعتقادات او را نصوص شرعی تشکیل می‌داد. او در همه امور و به طور خاص در عقیده، سخت پایبند به کتاب و سنت بود و از این دو منبع عدول نمی‌کرد. ابو سعد سمعانی گفته است: شیخ الاسلام انصاری رواج دهنده سنت بود و به سوی آن دیگران را تشویق می‌نمود... او هرگز از ظاهر نصوص کتاب و سنت تجاوز نمی‌کرد، بلکه به مدلولات آن دو منبع اعتقاد داشت؛ نه به گونه‌یی که مستلزم تشبیه باشد. پیر هرات هرگاه در مجالس خود سخن زدی با نصوص سر و کار می‌داشت و بدین سبب، مجلس وعظ و سخنان او تأثیر بسزایی داشته و شنونده را قناعت بخش بوده است. (ذهبی، ۱۴۱۹: ج ۳ ص ۲۵۲)

تمسک شیخ الاسلام به کتاب و سنت به حدی بود که هرگاه با کسی مناظره عملی داشتی از کتاب و سنت استفاده و استدلال می کرد؛ زیرا او پیرو این دو منبع قوی و پر فیض بود و همه چیز را وقتی اعتبار می داد که با این دو اصل موافقت داشتی. روایت شده که سلطان آلپ ارسلان سلجوقی، وقتی با وزیرش نظام الملک به هرات آمد، شماری از کسانی که خود را اهل علم و پیشوای حنفیه و شافعیه می دانستند، اما اهل تحقیق نبودند، از دست خواجه انصار به سلطان شکایه بردند و خواستند تا او را جهت مناظره طلب کند. وزیر او را فراخواند و چون حاضر شد، برایش گفت: این مردم برای مناظرات جمع شدند. اگر حق با تو بود به مذهب تو رجوع می نمایند و اگر حق با آنان بود، تو یا به مذهب شان رجوع خواهی کرد و یا از عملکرد شان سکوت می نمایی. شیخ الاسلام انصاری برخاست و گفت: من با آنچه در آستین من است با آنان مناظره می نمایم. وزیر گفت: در آستینت چیست؟ با اشاره به آستین راستش گفت که کتاب خداست و با اشاره به آستین چپش گفت که سنت رسول الله است و در آن صحیح بخاری و صحیح مسلم نمایان بود. وزیر در حالی که منتظر پاسخ بود، به جانب معارضان شیخ الاسلام نگاه کرد؛ ولی در میان آن جمع کسی حاضر نشد از این طریق با پیر هرات مناظره نماید. (ذهبی، ۱۴۱۹: ج ۳ ص ۲۵۱؛ ذهبی، ۱۴۲۷: ج ۱۴، ص ۴۰)

۲. موافقت با سلف امت

دیگر از ویژگیهای عقیده شیخ الاسلام انصاری موافقت با سلف صالح، اعم از صحابه، تابعان، تبع تابعان است؛ یعنی که او در اندیشه و اعتقادات خود سلفی العقیده بوده است؛ به دلیل آنکه عقایدش را از ظاهر آیات و احادیث نبوی برمی گرفت. از همین رو برخلاف برخی از اشاعره و برخی از متأخران علماء، به استوای حق بر عرش به گونه حقیقی و بدون تأویل قایل بود و نیز به علو و فوقیت حق تعالی بر عرش و بر همه کائنات عقیده داشت. این عقیده شیخ الاسلام انصاری امر تازه بی نبود، بلکه همه صحابه و تابعان از جمله امامان مذاهب اربعه و بویژه امام ما ابوحنیفه رحمه الله نیز بر آن عقیده داشته است؛ چنانچه در کتاب الفقه الابطسط بدان تصریح شده است. (ابوحنیفه، ۱۴۱۹: ص ۱۳۵)

ابن قیم الجوزیه هنگامی که عقیده به استوای الله جل جلاله بر عرش و علو و فوقیت حق تعالی بر عرش را مطرح می نماید، نخست نقل و اثبات این گونه عقیده را از امام ابوحنیفه رحمه الله نقل کرده و بعد از آن می گوید: «این نوع عقیده از شیخ الاسلام ابی اسماعیل الانصاری در کتاب الفاروق همراه با اسناد نقل شده است». (ابن قیم، ۱۴۰۸: ج ۲ ص ۱۳۹)

به همین گونه ابن قیم علاوه کرده که کتاب «الفاروق» و «ذم الکلام» و دیگر آثار شیخ الاسلام، به علو حق تعالی و اینکه او تعالی به ذات خویش (بلاکیف) بر عرش استوا دارد تصریح کرده اند. هر که می خواهد به صلابت شیخ الاسلام در اثبات این صفات آگاه شود، به این دو کتاب مراجعه نماید. (ابن قیم، ۱۴۰۸: ج ۲، ص ۲۷۸)

ابوسعید سمعانی نیز از وی نقل کرده و گفته است: شیخ الاسلام انصاری در کتابش الفاروق، با دلایلی از احادیث صحیح و حسن، ثابت ساخته که الله تعالی بر عرش که بالای آسمان هفتم است استوا دارد و از مخلوقاتش باین است. او دلایلی را از کتاب و حدیث ارائه داشته که خداوند جل جلاله (بلاکیف) فوق آسمان هفتم بر عرش است؛ اما علم و قدرت و سمع و نظر و رحمتش در هر مکان است. (ذهبی، ۱۴۲۷: ج ۱۴، ص ۴۱)

۳. موافقت با ائمه اربعه

شیخ الاسلام انصاری در عقیده اش با امامان چهارگانه اهل سنت و جماعت موافقت تمام دارد؛ زیرا او همچون آن بزرگواران، به حقیقت معانی آیات در باب صفات پروردگار قایل بود و از تأویل پرهیز می کرد. وی فوز و فلاح دنیا و آخرت را منوط و مربوط به پیروی از مذهب اهل سنت و جماعت می دانست و از اینرو از مذاهب غیر اهل سنت تبراً می جست و با بدعت در ستیز بود. او همانند سایر بزرگان اهل سنت و جماعت، حتی شخص سنی راسخ العقیده گنهکار را از معتبد آلوده به بدعت بهتر می شمرد؛ چنانچه در رساله «پرده حجاب حقیقت ایمان» گفته است: «سنی مست افتاده در خمّار به از مبتدع آناء اللیل و اطراف النهار...». (انصاری، ۱۳۸۰: ص ۵۳۱)

به همین گونه شیخ الاسلام انصاری در باب تقسیم توحید، روش سلف و امامان را اختیار کرده با ایشان موافقت دارد. از وی نقل شده که می گوید: «توحید به دو گونه است: اول یگانه دانستن خداوند بزرگ به ربوبیت و الوهیت، نفی شریک و شبهه از او تعالی، اثبات بینونت وی از مخلوقات، شناخت او به این گونه که کسی با او در امور منازعه نمی کند، با وی در صفتی همانندی ندارد، حکم او را دفع کرده نمی تواند و دانستن کیفیت و ادراک صفات وی ممتنع است. این توحیدی است که ضد آن شرک اکبر است... اما گونه دیگر اخلاص عمل برای خداوند، نفی ریاکاری و سمعه در عبادات است. بعد از آن تنها اعتماد داشتن و تفویض امور به حق تعالی و نیز خوف از عذاب خدا و امیدواری به رحمت اوست. ضد این گونه توحید شرک اصغر است. (سلماسی، ۱۴۲۲: ص ۱۴۹-۱۵۰)

تقسیم توحید با چنین روشی از امام ابوحنیفه در فقه اوسط، از امام طحاوی در عقیده طحاویه، از امام ابن بطله در کتابش الابانه، از امام ابن منده در کتابش التوحید و نیز از سایر اهل علم و تحقیق روایت شده است. (سلماسی، ۱۴۲۲: ص ۱۴۶)

۴. مخالفت با تأویل و عقلگرایی

یکی دیگر از ویژگیهای عقیدتی پیر هرات، دوری از تأویل و مخالفت با عقلگرایی محض در امور عقیدتی است. شیخ الاسلام بر این نظر است که باید عقاید خویش را، نه از استدلالهای عقلی محض، بلکه از نصوص شرعی گرفت و آنجا که توان عقل و خرد انسانی از حقیقت مدلول نصوص عاجز است، نباید به تأویل روی آورد. در همین مورد از وی نقل شده که میفرمود: «ایمان ما از راه سمع است نه به حیل عقل؛ به قبول و تسلیم است نه به تأویل و تصرف. گر دل گوید چرا؟ گوی که من امر را سرافکنده ام؛ اگر عقل گوید که چون؟ جواب ده که من بنده ام. ظاهر قبول کن و باطن بسپار؛ هر چه مُحدث است بگذار و طریق سلف بمدار». (میبذی، ۱۳۷۱: ۶: ۳۱۲)

پیر هرات در باب صفات پروردگار، چون استوا بر عرش در آیه مبارکه «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» (طه: ۵) که شماری از متأخران به تأویل آن اقدام کردند، از تأویل دوری می جوید و با پیروی از سلف به ظاهر آن عقیده دارد؛ در همین باب می گوید:

«استوای خداوند بر عرش در قرآن است و مرا بر این ایمان است، تأویل نجویم که تأویل در این باب طغیان است، ظاهر قبول کنم و باطن تسلیم؛ این اعتقاد سنّیان است و نادریافته به جان پذیرفته، طریقت ایشان است». (میبذی، ۱۳۷۱: ۶: ۱۱۱)

عقیده به مدلولات نصوص و مخالفت با شیوه تأویل در اندیشه پیر هرات باعث شده تا در سخنان وی خردگرایی که در شیوه برخی از متأخران پیروان مذاهب اربعه ایجاد شده، به نقد گرفته شود. او هرچند همان گونه که یادآوری شد، با عقیده امامان مذاهب اربعه موافق است، اما با تخلفات تأویلی متأخران منسوب به ائمه، مخالفت داشته روش شان را نادرست میدانند. از اینرو در رساله «۷۸۸ هجری» می گوید: «حنیفی باش، نه معتزلی؛ شافعی باش نه اشعری؛ حنبلی باش، نه مجسمی». (انصاری، ۱۳۸۰: ص ۶۸۹) ملاحظه می شود که او پیروی هریک از مذاهب را ستوده می داند؛ به شرط اینکه به خردگرایی محض و تأویل نکشد و در روش اصلی امامان که تسلیم به نصوص است باقی بماند.

بنابراین روایتی که گفته اند پیر هرات گویا «بر اشعریان بسیار سختگیری می کرد»، (ابن ابی یعلی: ج ۲، ص ۲۴۷) به همین سبب بوده که متأخران آنان از رأی ظاهر کتاب و سنت به تأویل روی می آوردند و شیخ الاسلام با آنان نمی توانسته موافقت نماید؛ یعنی که وی به حقانیت روش امامان اهل سنت و جماعت قایل است، اما تأویلات و تخلفهایی را که در مذاهب شان بعد از آن بزرگواران پدید آمده، مورد انتقاد قرار می دهد.

ج. مشرب مذهبی

در باره مذهب شیخ الاسلام انصاری چند نظر متفاوت ارائه شده که در این مبحث به توضیح هر کدام پرداخته می آید.

۱. نظر برخ تذکره نگاران

شماری از دانشمندان و تذکره نویسان شیخ الاسلام انصاری را به طور مطلق حنبلی دانسته اند و از وی روایاتی را که دال بر این مدعاست نقل کرده اند. ابن ابی یعلی در طبقات الحنابلہ به روایتی مسلسل و مستند با ذکر اسنادش می گوید:

شیخ الإسلام عبدالله انصاری در ضمن قصیده‌یی که آن را در شأن خویشتن سروده بود گفته است:

أنا حنبلی ما حییت فإن أمت - فوصیتی ذاکم إلی إخوانی

إذ دینہ دینی و دینی دینہ - ما کنت إمعاً لهُ دینان (ابن ابی یعلی: ج ۲، ص ۲۴۷)

(من تا هنگامی که زنده باشم حنبلی هستم، وصیتم توسط شما به برادران من همین است. زیرا دین او دین من و دین من دین اوست، من شخص هر دم خیالی نیستم که دو دین داشته باشد).

همچنان ابن ابی یعلی در کتاب دیگرش تذکره الحفاظ ضمن این که پیر هرات را حنبلی دانسته، از وی نقل کرده که سایر مردم را نیز در مواعظ خود بر منبر به آن مذهب فرا خوانده و گفته است:

أنا حنبلی ما حییت وإن أمت

فوصیتی للناس أن یتحنبلوا (ذهبی، ۱۴۱۹: ج ۳ ص ۲۵۰)

(من تا زنده ام حنبلی هستم و اگر مردم، وصیت من به مردم این است که حنبلی شوند).

همچنان در همین کتاب روایت کرده از خود پیر هرات که می گوید: هنگامی که به ری نزدیک شدم، شخصی از اهل ری با من همراه شد و از مذهبم پرسید. من گفتم: حنبلی هستم. (ذهبی، ۱۴۱۹: ج ۳ ص ۲۵۰)

برعلاوه این روایات، ویژگی تمسک به ظواهر نصوص و پرهیز از تأویل در عقیده و اندیشه پیر هرات که پیشتر در آن باره صحبت شد، در پهلوی سخنان خود او، نزدیکی و تمایل وی به مذهب حنبلی را به اثبات میرساند. چون او اهل حدیث بوده و این مذهب نیز بیشتر بر پایه نصوص شرعی بنا شده؛ نه بر بنیاد استدلال و رأی.

۲. بیان رسایل فارسی

در برابر آنچه در تذکره‌ها آمده و شهرت یافته که شیخ الاسلام انصاری حنبلی است، شافعی بودن پیر هرات نیز در رساله‌های خود او تسجیل یافته و تأیید شده است. در رساله «مجموعه ۷۸۸» پیر هرات آمده است: «از شیخ الاسلام قدس الله روحه العزیز سؤال کردند که چه مذهب داری، گفت: مذهب شافعی دارم، رضی الله عنه...» (انصاری، ۱۳۸۰: ص ۶۹۰) این بیان بر شافعی بودن شیخ الاسلام انصاری چنان صراحت دارد که هیچ شبهه‌ی را باقی نمی‌گذارد؛ هرچند نحوه بیان طوری است که بیان میدارد، این نقل قول از پیر هرات توسط کس دیگری ترتیب یافته و جمع آوری شده است.

۳. نظر مولانا جامی

مولانا جامی در نفحات الانس که آن را در موضوع زندگینامه شماری از بزرگان صوفیه تألیف کرده، ابراز نظری اراده داشته که میتواند هردو نگاه متفاوت مذکور را در خود جمع کند و میان آنها توافق ایجاد نماید. وی گفته است که «پیر هرات در اصول دین و امور عقیدتی، پیرو مذهب امام احمد حنبل بود و در فروع از امام شافعی پیروی می‌کرد». (جامی، ۱۳۶۵: ۳۳۴) یعنی از دیدگاه مولانا جامی، شیخ الاسلام انصاری در حوزه مذهب، دو مشرب متفاوت داشته است. بدین گونه که در امور عقیدتی و اندیشه‌هایش، روش امام احمد بن حنبل را میپذیرفته و در امور عملی فقه اسلامی، روش امام شافعی را پیروی و تعقیب میکرده است.

با توجه به روایات گوناگونی که در باره مذهب شیخ الاسلام انصاری بیان شد، سخن مولانا جامی درست تر و مناسبتر مینماید و میتواند هردو روایت یادشده را آینه داری کند.

به هر صورت که فرض کنیم، در باره شیخ الاسلام انصاری این مسلم است که وی نصوص گرای تمام عیار و صوفی سلفی العقیده بوده که در همه امور، نصوص کتاب و سنت را معیار بحث و تحقیق و عمل خود قرار می‌داده است. اما اینکه برخی در فقه عملی او را شافعی و برخی از دانشمندان به طور مطلق حنبلی خوانده اند، در شخصی چون پیر هرات چندان تفاوتی را به منصفه شهود نمی‌گذارد؛ زیرا هر دو مذهب

مذکور، در فقه عملی خود بیشتر به نصوص تکیه دارند؛ برخلاف فقه ما حنفیان که در پهلوی استدلالهای روایی تا حدی بر استدلالهای درایی پی ریزی شده است.

نتیجه گیری

از آنچه در این مقاله گفته آمد به دست می آید که شیخ الاسلام انصاری یکی از نامداران عرصه دانش و فرهنگ سرزمین ماست که دارای حافظه نیرومند و نبوغ استعداد بوده در حفظ و روایت حدیث و نیز در همه علوم روزگارش تبحر داشته است. او دانشمندی نصوصگرا و عارفی سلفی العقیده‌یی بوده که تمسک به ظواهر نصوص کتاب و سنت و موافقت با سلف امت، یعنی صحابه، تابعین و ائمه اربعه، بنیاد عقیده او را تشکیل داده است. به همین گونه او به مدلول حقیقی نصوص کتاب و سنت عقیده دارد؛ چنان که از تأویل میگریزد و با خردگرایی محض میستیزد و از اینرو اندیشه‌هایش با برخی از متأخران که از تأویل و استدلالهای عقلی متأثر اند، سر سازگاری ندارد.

شماری پیر هرات را نسبت به دلایلی حنبلی خوانده اند و بعضی هم وی را شافعی دانسته اند. اما مولانا جامی بر این عقیده است که وی در عقیده حنبلی بوده و در فقه عملی پیرو مذهب امام شافعی است و نگاه و نظر شافعی با روایاتی که از خود پیر هرات نقل شده بیشتر میتوان مصداق داشته باشد.

مآخذ و منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی یعلی، أبو الحسین، محمد بن محمد (؟). *طبقات الحنابلة*. تحقیق: محمد حامد الفقی، دو جلد، بیروت: دار المعرفة.
۳. ابن قیم الجوزیه، شمس الدین محمد بن ابی بکر بن ایوب بن سعد. (۱۴۰۸هـ/ ۱۹۸۸م). *اجتماع الجيوش الإسلامية*. تحقیق: عواد عبد الله المعتق، چاپ اول، دو جلد، ریاض: مطابع الفرزدق التجاریه.
۴. ابن نقطه الحنبلی البغدادی، معین الدین محمد بن عبد الغنی بن ابی بکر بن شجاع. (۱۴۰۸هـ - ۱۹۸۸م). *التقیید لمعرفة رواة السنن والمسائید*. تحقیق: کمال یوسف الحوت، چاپ اول، (؟): دار الکتب العلمیه.
۵. ابوحنیفه، نعمان بن ثابت بن زوطی بن ماه. (۱۴۱۹هـ - ۱۹۹۹م). *الفقه الاوسط*. تدوین و تحقیق: محمد بن عبد الرحمن الخمیس، چاپ اول، امارات عربیه: مکتبه فرقان.
۶. أبو زید، بکر بن عبد الله بن محمد بن عبد الله بن بکر بن عثمان بن یحیی بن غیهب بن محمد (۱۴۰۷هـ - ۱۹۸۷م). *طبقات النسائین*. چاپ اول، ریاض: دار الرشد.
۷. انصاری، خواجه عبد الله. (۱۳۸۰). *مجموعه ۷۸۸*. به تصحیح و مقدمه محمد سرور مولایی، چاپ دوم، تهران: انتشارات توس.

۸. براون، ادوارد. (۱۳۸۱ه.ش). *تاریخ ادبیات ایران (از فردوسی تا سعدی)*. ترجمه فتح الله مجتبیایی، چاپ ششم، تهران: انتشارات مروارید.
۹. جامی، نورالدین عبدالرحمن. (۱۳۶۵). *نفحات الانس من حضرات القدس*. با مقدمه مهدی توحیدی پور، چاپ اول، تهران: امیرکبیر.
۱۰. الذهبی، شمس الدین أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز (۱۴۲۷هـ-۲۰۰۶م). *سیر أعلام النبلاء*. ۱۸جلد، قاهره: دار الحدیث.
۱۱. _____ (۱۴۱۹هـ-۱۹۹۸م). *تذکره الحفاظ*. ۴مجلد، چاپ اول، بیروت- لبنان: دار الکتب العلمیه.
۱۲. الزرکلی دمشقی، خیر الدین بن محمود بن محمد بن علی بن فارس (۲۰۰۲ م). *الأعلام*. چاپ پانزدهم (؟): دار العلم للملایین.
۱۳. السماسی، أبو زکریا یحیی بن إبراهیم بن أحمد بن محمد أبو بکر بن أبی طاهر الأزدی. (۱۴۲۲هـ/۲۰۰۲م). *منازل الأئمة الأربعة أبی حنیفه ومالك والشافعی وأحمد*. تحقیق: محمود بن عبد الرحمن قدح، چاپ اول، سعودی: مکتبه الملك فهد الوطنیه.
۱۴. السیوطی، جلال الدین عبد الرحمن بن أبی بکر. (۱۴۰۳هـ). *طبقات الحفاظ*. چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۵. الصّریفیّی، الحنبلی، تقی الدین، أبو إسحاق إبراهیم بن مُحَمَّد بن الأزهر بن أحمد بن مُحَمَّد. (۱۴۱۴هـ). *المنتخب من کتاب السیاق لتاریخ نيسابور*. تحقیق: خالد حیدر، (؟): دار الفكر للطباعة والنشر التوزیع.
۱۶. میبذی، ابو الفضل، رشید الدین (۱۳۷۱ه.ش). *کشف الاسرار و عده الابرار*. به تصحیح محمد جواد شریعت، چاپ دوم، تهران: امیر کبیر.